



از مجموعه یک کتاب در یک مقاله:

توسعه اقتصادی و جهانی شدن

کتاب «توسعه اقتصادی و جهانی شدن» از مجموعه یک کتاب در یک مقاله، سال ۱۳۹۲ در ۱۸۰ صفحه با تلخیص و ترجمه چهار کتاب «انسان‌شناسی توسعه و جهانی شدن: از اقتصاد سیاسی کلاسیک تا نئولیبرالیسم معاصر»، «جنسیت، توسعه و جهانی شدن»، «جهانی شدن برای توسعه» و «نابرابری در جهان» توسط مرکز ملی مطالعات جهانی شدن منتشر شده است.

در مقدمه این کتاب‌ها آمده است:

۱- انسان‌شناسی توسعه و جهانی شدن: از اقتصاد سیاسی کلاسیک تا نئولیبرالیسم معاصر / مارک ادلمن و آنجلیکو هاوگروود

توسعه، اصطلاحی با معنی نامشخص است اما همین مفهوم نامشخص، ممکن است برای برخی از مردم جهان به مفهوم مرگ و زندگی باشد. این اصطلاح ممکن است به بهبود در سازمان رفاهی جامعه، صنعتی شدن و نوسازی یا جهانی شدن اطلاق شود. همچنین توسعه می‌تواند به‌عنوان نوعی استراتژی مشروعیت بخش برای دولت‌ها در نظر گرفته شود. ابهام موجود در این اصطلاح موجب شده است که در بحث‌های مربوط به حقوق شهروندی و کنترل دولتی نیز مورد استفاده قرار گیرد. اخیراً تعابیر جدیدی از توسعه ظهور کرده‌اند. یک تعبیر از توسعه، به‌عنوان سطح بالایی از رفاه، که مخصوصاً در مستعمرات سابق رایج بود، تا اندازه زیادی مفاهیم اقتصادی چندبعدی مانند رشد یا میزان‌های اقتصادی دیگر که مورد علاقه اقتصاددانان نئوکلاسیک است، را جایگزین طرح‌های خاص کرده است. در مقابل، برخی از اندیشمندان که از آرای میشل فوکو در مورد قدرت متأثرند، هرگونه بحث از شرایط مطلوب توسعه را به‌عنوان مبحثی مخرب و در خدمت خود، که از طرف بوروکرات‌ها مطرح شده و باعث قرار گرفتن فقرا در دور باطل از فقر و بدبختی می‌شود، به‌یک‌باره رد می‌کنند.

برخی از اندیشمندان درگیر در مقوله اخیر، یک عصر ما بعد توسعه را در نظر می‌گیرند که در آن اجتماع و دانش بومی به منبعی از جایگزین‌های فعال برای توسعه تبدیل می‌شود.

از طرف دیگر، در قالب غایت‌شناسی‌های تاریخی، انواع مختلفی از تغییرات مانند تغییر از روابط به قرارداد، کشاورزی به صنعت، حاکمیت شخصی به حاکمیت عقلانی یا بوروکراتیک، تولید معیشتی به انباشت سرمایه و مصرف جمعی و بالاخره فقر به ثروت، را در بحث تولید مطرح می‌کنند.

در زمینه انسان‌شناسی، اغلب میان انسان‌شناسی کاربردی و انسان‌شناسی جریان اصلی یا آکادمیک تقابلهایی متصور شده‌اند. اصطلاح انسان‌شناسی کاربردی، پدیده‌ای مربوط به یک قرن پیش است و بحث‌های مربوط به انسان‌شناسی توسعه به تاریخ مشاغل اختصاص دارد. مرز بین انسان‌شناسی توسعه و روش‌های دیگر انسان‌شناسی، اغلب غیرقابل تشخیص است. اینکه چگونه این مرزها ایجاد می‌شوند و مورد نزاع قرار گرفته یا نادیده گرفته می‌شوند، امری است که اهمیت آن بیشتر از تعاریف یک مقوله است.

بحث‌های مربوط به توسعه معمولاً با منازعاتی که در زمینه جهانی‌شدن مخصوصاً جهانی‌شدن به‌عنوان بازار آزاد یا سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال، که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ غالب بودند، درهم‌آمیخته می‌شود، جهانی‌شدن دست‌کم دو معنی رایج دیگر نیز دارد:

اول، ادغام فزاینده مناطق مختلف در یک اقتصاد جهانی و دوم، تأثیرات مثبت حمل‌ونقل و سیستم‌های ارتباطی بر جریان‌های فرهنگی چند سویه. این سه معنی با هم در ارتباط متقابلند، اما معادل هم نیستند. بسیاری از انسان‌شناسان جهانی‌شدن را به‌عنوان جریان‌هایی فرهنگی در نظر می‌گیرند و بر تأثیرات آن بر نهادها و فرآیندهای سیاسی و اجتماعی که هم این جریان‌ها را شکل داده و هم توسط آن‌ها شکل گرفته‌اند، تأکید می‌ورزد.

در واقع انسان‌شناسی ما با ریشه‌های کلاسیک بحث‌های انسان‌شناسی معاصر در مورد توسعه شروع شد. نظریه‌پردازان این رشته از عصر روشنگری تا قرن بیستم، دانش اخیر توسعه را به روش نیرومند به وجود آوردند. هویت‌شناسی مؤلفین عمده این دانش نشان می‌دهد که آن‌ها همیشه حال‌گرا بوده و اطلاق واژه کلاسیک به آن‌ها سؤال‌برانگیز است.

۲- جنسیت، توسعه و جهانی‌شدن / لوردس بنریا

فصول این کتاب، منعکس‌کننده این مسأله است که مسائل زنان نمی‌تواند جدا از واقعیات فرهنگی و اقتصادی-اجتماعی جامعه‌ای که در آن به سر می‌برند، در نظر گرفته شوند. اولین هدف کتاب، یافتن راه‌هایی است که بتوان زنان را در اقتصاد به‌عنوان عنصر مهم وارد کرد و دومین هدف این است که جنبه‌های مختلف توسعه و اقتصاد جهانی را مورد آزمون و بررسی قرار دهد و ببیند این جوانب چگونه با رفاه، برابری جنسیتی و ساختار اجتماعی جنسیت در تعامل قرار می‌گیرد.

۳- جهانی‌شدن برای توسعه / آین گلدین و کنث رینرت

۴- نابرابری در جهان / ریچارد فریمن

افزایش نابرابری در داخل کشور از یکسو و در بین کشورهای دنیا از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های قرن بیست و یکم است. برخلاف بسیاری از نظریه‌های اقتصادی، نابرابری همچنان در حال افزایش است. گمان می‌رود که تجارت

و سرمایه‌گذاری، تفاوت‌های اقتصادی بین کشورها و تفاوت‌های درآمد را در کشورهای کمتر توسعه‌یافته کاهش می‌دهد. گمان می‌رفت که افزایش سطح تحصیلات، نابرابری کشورها را کاهش می‌دهد. اما واقعیت غیر از این‌هاست.

برای دریافت و مطالعه این کتاب از لینک دانلود زیر استفاده کنید.